

واکاوی نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات

میثم اسلام پناه، مهدی نجارصادقی، محمد اسماعیل زاده

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم
^۲ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم
^۳ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

چکیده

در سیستم انتخابات جمهوری اسلامی ایران گام نخست برگزاری انتخابات - ثبت نام کاندیداها - برداشته شده است و در گام بعدی پروسه تعیین صلاحیت کاندیداهای ثبت نامی می باشد که در طول سالیان اخیر و بالاخص در مقطع کنونی، نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و منفعلانه‌ای پیرامون نحوه نظارت شورای نگهبان (هیات نظارت بر انتخابات شورای نگهبان) چه از حیث ساختار و چه محتوا ابراز گردانیده است. لیکن به تبیین ایجازی نکاتی پیرامون چرایی نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات در راستای تشحیذ عامه پرداخته خواهد شد.

نخست می بایست بیان داشت که نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش از طریق شرکت در انتخابات به عنوان نماد دموکراسی عمل خواهد شد و در این راستا، آحاد جامعه به صحنه انتخابات دعوت می شوند و مدعیان زمامداری از میان آنان داوطلب و در صورت اقبال ملت برگزیده می گردند، تا در منصب قدرت به منظور خدمت به مردم تکیه زنند. هرچند در فرآیند انتخابات، مردم از آزادی انتخاب برخوردارند و این آزادی و رقابت فی النفسه سالم مفروض و لذا مطلوب می باشد. اما میل به کسب قدرت عاملی است که می تواند مقدمات رقابتی ناسالم را فراهم سازد. بدین لحاظ برای دوری از فساد احتمالی و مخدوش شدن آراء ملت، امر نظارت بر آراء عمومی در کشورهایی که حکومت‌های مردم سالار دارند مورد پذیرش قرار گرفته است.

کلیدواژه: انتخابات، شورای نگهبان، نظارت استصوابی، نظارت استطلاعی

مقدمه

بی شک اولین سوالی که به ذهن هر شهروندی خطور می نماید این است که:

به چه دلیلی نظارت باید صورت پذیرد؟

در دنیای امروز اصل حاکمیت قانون^۱ یکی از اصول شناخته شده حقوق عمومی^۲ (و کشورداری) است که در سیستم ها و نظام های مختلف با هر ساختاری، حداقل به لحاظ نظری پذیرفته شده است و به درجات و کیفیات متفاوت در آنها اعمال می شود. مفهوم حاکمیت قانون در جامعه آن است که کلیه ی قوای حاکم و سازمان های عمومی، تحت نظارت قانون باشند و همه مقامات عمومی مکلف شوند، در تصمیماتی که می گیرند و اعمالی که انجام می دهند، قوانین و مقررات را رعایت کنند؛ لذا لازمه تحقق حاکمیت قانون آن است که همه فعالیت های عمومی اعم از قانونگذاری، امور قضایی و اجرایی و همچنین کلیه ی افراد تابع قانون باشند و خویش را در هاله ای از مصونیت از نظارت نبینند و مضافاً با توجه به پیشرفت همه جانبه و روزافزون جوامع بشری، مردم نیز بر حقوق و وظایف خویش آگاهی بیشتری می یابند. امروزه یکی از مباحث پر رونق مجامع علمی و سیاسی، پیرامون حقوق متقابل مردم و مسئولان بوده و از جمله شاخص ترین محورها در این زمینه، مسئله نظارت متقابل مردم و مامداران است.

نظارت در اسلام ویژگی و مشخصه های ممتاز خود را دارد و بدین لحاظ در قرآن کریم کلمه نظارت و مشتقات آن ۱۲۹ بار تکرار شده است. که مراتب سه گانه ای برایش تبیین شده است:

مرتب اول: نظارت مطلق خداوند:

« اتَّقُوا مَعَاصِيَ الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ »^۳

مرتب دوم: نظارت قرآن و فرشتگان:

« مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ »^۴

و مرتب سوم نظارت، نظارت انبیا:

« النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ »^۵

عنایت به تبیین مزبور پر واضح است قرآن کریم، نظارت را اهرمی مفید و کارا جهت حفظ و صیانت بشر از لغزش ها و خطرهای معنوی و انحراف از راه حق و حقیقت دانسته و نیز آن را عاملی برای اتمام حجت با بشر معرفی می نماید چراکه ضمن تنعیم و تکریم، تعلیم را نیز تشریح نموده است. مستند به اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت مطلق از آن خداست، از این رو ارکان حکومت این جمهوری که با رأی مردم استوار گردیده نمادی از ترتب حاکمیت الهی است که در آن، ارگانها و دستگاههای مختلف حکومت، مجریان قوانین الهی اند. قدرت به عنوان ابزار حاکمیت عاملی جز برای اجرای فرامین الهی در دست دولت و کارگزاران حکومت نمی باشد که باید از آن برای ایجاد تقویت زمینه رشد و کمال آحاد ملت بهره جست و در این چارچوب نظارت به عنوان عاملی برای تضمین صحت اجرای قوانین و جلوگیری از انحراف و خطا، نقش بنیادین را ایفا می نماید.

انواع نظارت

درخصوص واژه نظارت می بایست بیان داشت که نظارت از ریشه نظر است^۶. نظارت در فارسی به معنی مراقبت، تحت نظر و دیده بانی داشتن بر کاری است^۷. ابن منظور^۸ در ذیل این کلمه می نویسد: «نظر» یعنی تأمل در چیزی با چشم یا حس کردن با چشم و نظارت یعنی گروهی چیزی را مشاهده و نگاه می کنند، همچنین وی ناظر را به حافظ معنی کرده است.

^۱ Rule of Law

^۲ Public law

^۳ نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴

^۴ سوره مبارکه ق، آیه شریفه ۱۸

^۵ سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۶

^۶ معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۱. ذیل کلمه نظارت (نظارت به فتح نون به معنی عمل ناظر و مقام او، مراقبت در اجرای امور مانند نظارت بیوتات، نظارت امور مالی و ... و نظارت به کسر نون یعنی زیرکی، فراست، نظر کردن و نگرستن).

مجدالدین محمدبن یعقوب فیروزآبادی^۹، ناظر را کسی می داند که با تیزبینی نگاه می کند و از تهمت، بری است. در کتاب فرهنگ لغت المعجم الوسیط^{۱۰} نظر به معنی تدبیر و تفکر و نیز نظارت به معنی فراست و مهارت و زیرکی است. در ترمینولوژی حقوق نظارت به معنی عمل ناظر آمده است و در ذیل کلمه ناظر آمده است که ناظر در لغت به معنی نگاه کننده و نگران است در اصطلاح کسی را گویند که بر کار دیگری مانند متولی موقوفه یا وصی یا وکیل یا قیم و غیره، نظارت می کند تا عمل صحیحاً صورت گیرد^{۱۱}.

تقسیم بندی نظارت

به طور کلی نظارت به ۲ نوع تقسیم شده است:

نوع اول: نظارت استصوابی

نوع دوم: نظارت استطلاعی

لذا بر مبنای این دسته بندی، دو گونه ناظر نیز ملحوظ نظر است:

ناظر استصوابی: ناظری است که جلب نظر او در مورد نظارت ضرورت دارد و مخالف نظر او اگر کاری صورت گیرد، اعتبار قانونی ندارد.

ناظر اطلاعی^{۱۲}: ناظری است که اعمال نماینده (وکیل، وصی، ولی، قیم) باید به آگاهی او برسد و مخالفت با نظر او امکان دارد. به هر حال به نظر می رسد تقسیم بندی نظارت به استصوابی و استطلاعی مبتنی بر حدود و ثبوت اختیاراتی می باشد که ناظر دارا می باشد.

ماهیت نظارت بر انتخابات

یکی از مشخصه های انتخابات، خصلت گزینش در آن است. یعنی هر نامزد انتخابات آزاد است - در چارچوب قانون - و هم رأی دهنده می تواند از میان نامزدهای مختلف اعلام شده، آزادانه هر یک را برگزیند. اینگونه انتخابات در دیدگاه ریمون آرون^{۱۳} «انتخابات متعارض» و آندره هوریو^{۱۴} «انتخابات مبارزه ای» انگاریده می شود چراکه انتخابات را تنها با این شرایط، واقعی و آزاد تلقی می کند. در حالیکه در برخی کشورهای اقتدارگرا نوع دیگری از انتخابات رواج دارد که فاقد خصلت های فوق است به عنوان مثال در حکومت های کمونیستی یا برخی از کشورهای جهان سوم فقط یک حزب قانونی - تک حزبی - وجود دارد و فعالیت سایر احزاب و گرایش های سیاسی ممنوع است و چون حزب موصوف در عین حال برنامه ریزی را نیز بدست دارد، در هنگام انتخابات فهرست نامزدها را تعیین می کند و به اطلاع رای دهندگان می رساند که اینان باید لزوماً به همین نامزدها رای دهند یعنی انتخابات، بیشتر جنبه تاییدی و پله بیستی^{۱۵} دارد تا گزینش از میان نامزدهای گوناگون^{۱۶}.

پوشیده نیست که مردم از طریق انتخابات نقش بسزایی را در اداره جامعه اعمال می کنند، اما انتخابات هنگامی می تواند بیانگر نقش اساسی مردم باشد که شرکت کنندگان در آن اعم از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهان بتوانند در نهایت آزادی - قانونی - در آن شرکت و وظیفه خود را جامعه عمل ببوشانند. امروزه مسائل زیادی وجود دارد که می تواند مانع انتخابات سالم گردد، چراکه پیشرفت و توسعه تبلیغات در امور بازرگانی، جای تردیدی باقی نگذاشته که میان فروش کالا و مرغوب بودن جنس آن، لزوماً بستگی و بایستگی وجود ندارد و وقتی می توان مردم را به نحوی فریب داد که جنس پست را به بهای بیشتر

^۷ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، نشر بی تا: ذیل کلمه نظارت

^۸ ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ذیل کلمه نظارت

^۹ مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی، مکنی به ابوطاهر (۷۲۹-۸۱۷ ق) عالم لغوی، محدث، مفسر، سیره نویس، مؤلف قاموس.

^{۱۰} لغتنامه ای عربی به عربی

^{۱۱} لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، نشر گنج دانش، ج ۱، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۶۰۳

^{۱۲} لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۳۶۰۴

^{۱۳} جامعه شناس، فیلسوف، مورخ و مفسر سیاسی فرانسوی (۱۹۰۵-۱۹۸۳ میلادی)

^{۱۴} حقوقدان فرانسوی

^{۱۵} Plebiscite

^{۱۶} قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۳۸۳، صص ۴-۶۸۳

خریداری نمایند چگونه نمی توان آنان را به سوی ناصواب ترین داوطلبین انتخابات سوق داد! با توجه به مطالب مذکور یقیناً لزوم وجود یک مقام ناظر تمام عیار جهت نظارت بر صحت انجام انتخابات، ضروری می باشد، لذا اکنون تصور نظارت بر حسن اجرای انتخابات امری مقبول و غیرقابل انکار است و نیز در عرف بین الملل و قوانین دیگر کشورها نیز پیشتر از این لحاظ شده است. بطوریکه بسیاری از کشورهای جهان^{۱۷} موضوع نظارت را در قوانین اساسی خود ذکر کرده و آن را در قوانین عادی نیز موکداً مورد تایید قرار داده اند، همچون کشور فرانسه که طبق اصل ۵۸ قانون اساسی آن کشور، شورای قانون اساسی بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری نظارت می کند. این شورا به اعتراضات رسیدگی کرده و نتایج را اعلام می نماید.^{۱۸}

فلسفه واگذاری نظارت بر انتخابات به شورای نگهبان

عنایت به مطالب سبق الذکر به منظور ممانعت از هرگونه ایراد و خدشه در آرای شهروندان جامعه، نظارت بر روند انتخابات امر از سوی حاکمیت، ضروری و لازم به شمار می آید. اما نباید از این مسئله مهم نیز غافل گشت که باید نظارت مزبور، صرفاً به دست کسانی سپرده شود که منفعت خاصی نسبت به نتیجه انتخابات نداشته باشند، تا بتوانند درستی و امانت لازم را در کار نظارت بیطرفانه بکار گیرند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، این امر خطیر و تأثیرگذار براساس اصل ۹۹ قانون اساسی «نظارت برانتخابات» به عهده شورای نگهبان سپرده شده است نخستین نکته ای که در اینجا قابل طرح است اینک:

چرا این امر به شورای نگهبان سپرده شده است؟

آیا نهادی صالح تر برای این امر مهم در نهادهای حکومتی وجود نداشت؟

فلسفه وجودی نظارت مقامات غیر اجرایی بر انتخابات، به خصوص انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حکومتی را باید در سلب قدرت از قوه مجریه دید که قهراً به علت داشتن امکانات اجرایی، احتمال نفوذ در انتخابات یا متوجه کردن آراء مردم به سمت و سوی خاص به هر قدر و امکان را به ذهن متصور می سازد. به این علت، این مسأله همیشه ذهن قانونگذاران اساسی را به خود مشغول و آنان را وادار نموده تا در این خصوص تمهیداتی درخور ببینند، تا بتوانند اشخاص منتخب را در اعمال اراده آزاد و مستقلشان در انجام وظایف یاری کنند. واگذاری این امر به نهادی خارج از قوای اجرایی یا حداقل سپردن اختیارات وسیع نظارتی بر امر انتخابات به نهاد معنونه، از جمله این تمهیدات است و اینکه آنچه از مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی برمی آید، نمایندگان مجلس مزبور نیز، در آن برحه به این مسأله مهم توجه ویژه نمودند، چراکه در این خصوص شهید آیت الله بهشتی (نایب رئیس وقت مجلس خبرگان قانون اساسی) بیان داشتند:

«مسأله ای داریم به نام همه پرسی و مراجعه به آرای عمومی و همچنین انتخاب رئیس جمهور که چیزی است شبیه همه پرسی و چون این انتخاب بوسیله عموم مردم و به طور مستقیم است، در این موارد خواسته شده که نظارت بر این قسمت صرفاً در اختیار دولت یا رئیس جمهور قبلی نباشد، بلکه یک مقام مقننه ای، یعنی یک مقامی که دور از مسائل اجرایی و دور از حب و بغض هایی است که در اجرا پیدا می شود، او هم بر این قسمت نظارت کند. برای این که این مقام مشخص شود در مطالعات قبلی به این نتیجه رسیدیم که مناسب ترین آن، همین شورای نگهبان است.»^{۱۹}

اهمیت نظارت و لزوم دور بودن انتخابات از دسترسی مقامات اجرایی و نظارت بر آن و ضرورت بیطرفی در آن، در مشروح مذاکرات مذکور نیز محسوس می باشد. تلاش تدوین کنندگان قانون اساسی در این جهت بوده که ضعف قدرت مردم در تقابل با قوای عمومی و نیروهای رسمی دولتی (بالاخص قوه مجریه)، از طریق یک نهاد ناظر تعدیل و جبران شود و بدین جهت بود که این وظیفه برعهده شورای نگهبان نهاده شده است و ترکیب اعضای شورای نگهبان نیز به گونه ای است که تغییر در قوه مجریه (در پی انتخابات ریاست جمهوری) یا قوه مقننه (در پی انتخابات مجلس شورای اسلامی) و مجلس خبرگان رهبری، نمی تواند تاثیری در این ترکیب داشته باشد و تسلط این دو قوه و مجلس خبرگان رهبری را بر شورای نگهبان میسر سازد.^{۲۰}

^{۱۷} <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home>

^{۱۸} قانون اساسی فرانسه، اداره کل توافق های بین المللی، ۱۳۷۶، ص ۴۱

^{۱۹} مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۲، چاپ اول، ص ۹۶۵

^{۲۰} صفایی، محمد: «چرا نظارت؟ چرا شورای نگهبان؟»، حقوق و اجتماع، ش ۱۲، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸

لذا اگر قوه مجریه می تواند از طریق تاثیرگذاری بر فرایند انتخابات، بقای خویش را تضمین کند، شورای نگهبان نیازی به این امر (مداخله) در انتخابات برای تضمین بقای خود، ندارد چراکه پروسه انتصاب و انتخاب آنها مشمول تشریفات خاصه خود است.

دلایل نظارت استصوابی

درخصوص اینکه آیا نظارت استصوابی از اصل ۹۹ برداشت می شود یا نه، نظرات گوناگونی بیان شده است که می توان این نظرات را به ۲ دسته کلی تقسیم نمود:

۱- نظریه غائلین به برداشت نظارت استصوابی از اصل ۹۹ قانون اساسی

۲- نظریه غائلین به برداشت نظارت استطلاعی از اصل ۹۹ قانون اساسی

برخی از معتقدین به نظارت استصوابی اینگونه استدلال می کنند که با توجه به فلسفه وجودی و اهدافی که قانونگذار درخصوص ایجاد شورای نگهبان تبیین داشته و نظارت بر امر انتخابات را بر عهده شورای مزبور نهاده و همچنین با عنایت به استنباطی که نمایندگان دوره نخست مجلس خبرگان قانون اساسی از اصول قانون اساسی داشته‌اند، به نظر می رسد که بر این مبنا، آنها نه تنها در چندین ماده از مواد قانون انتخابات بر تعیین صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان تصریح نموده اند بلکه مهم تر از آن توقف و حتی ابطال انتخابات حوزه‌هایی که در آنها انتخابات به طور صحیح برگزار نشده باشد را برعهده شورای نگهبان گذاشته اند^{۲۱} که به استقرا، این خود گواه نظارت استصوابی شورای نگهبان در امر انتخابات می باشد.

در مقابل غائلین به بطلان نظریه فوق، کسانی که نظارت شورای نگهبان را اطلاعی دانسته و آن شورا را تنها یک ناظر صرف می دانند، به طور مسلم می‌توان اذعان داشت که نظارت شورای نگهبان بر امر برگزاری انتخابات یعنی چه؟ در مرحله تأیید صلاحیت داوطلبان و اعلام اسامی واجدین صلاحیت و چه در زمان شروع جریان انتخابات و بعد از آن، از نوع استصوابی بوده و در هر مقطع از مقاطع جریان انتخابات، هرگاه شورای نگهبان لازم ببیند می‌تواند انتخابات را متوقف و یا آن را باطل اعلام نماید، که این مرتبه اعلا نظارت استصوابی درباره انتخابات می باشد^{۲۲}.

از جمله ایراداتی که بر نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات گرفته شده اینکه اعمال نظارت معنونه، برخلاف نص قانون اساسی می‌باشد، زیرا در اصل ۹۹ قانون اساسی تصریح گشته: «شورای نگهبان نظارت برانتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجع به آرای عمومی و همه پرسی را برعهده دارد.» چنانکه ملاحظه می شود در اینجا از نظارت صحبت شده ولی هیچ ذکری از استصوابی بودن آن به میان نیامده و دلیلی بر اینکه نظارت شورای نگهبان استصوابی باشد از مفاد این اصل برداشت نمی‌شود، لیکن چگونه است که نظارت شورای نگهبان درحال حاضر استصوابی می باشد؟ پاسخ اینکه:

اولاً: از اصل ۹۹ قانون اساسی این طور برمی آید که کلمه «برعهده دارد» مبین مسؤولیت است نه اختیار و حق، یعنی قانون اساسی وقتی می گوید شورای نگهبان، نظارت را برعهده دارد. یعنی مسؤولیت این نظارت کاملاً برعهده شورای نگهبان است. بنابراین، این نظارت باید ضمانت اجرا نیز داشته باشد یعنی ضمن اعطای مسؤولیت خطیر می بایست اختیارات متوازن برایش متصور می باشد. (اذن در شی، اذن در لوازم شی نیز می باشد). در نتیجه نظارت در اینجا نباید صرف اطلاع محض باشد بلکه باید استصوابی باشد.

ثانیاً: در قانون اساسی صرفاً تنها مرجعی که برای نظارت برانتخابات شناخته شده ، شورای نگهبان است، که خود دلیلی بر این مدعاست که نظارت شورای نگهبان عام و شامل همه مراحل انتخابات می‌باشد و موید نظارت استصوابی می باشد.

ثالثاً: اگر نظارت موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی ، استطلاعی تصور گردد، دیگر آیا آنقدر این موضوع با اهمیت می بود که قانونگذار، آن را در قالب یکی از اصول قانون اساسی قرار دهد؟ آیا کافی نبود که از طریق قوانین عادی تصریح شود؟^{۲۳} و به

^{۲۱} قانون نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

^{۲۲} شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختارهای حکومتی ج.۱، انتشارات اطلاعات، چاپ ۱۱، ۱۳۸۱، صص ۱۷۹-۱۷۸

بیان دیگر در صورتیکه نظارت از نوع استطلاعی بود بیشتر قابل اشکال، تشکیک و ایراد می بود، زیرا در آن موقع حقوقدانان می توانستند اشکال کنند که اگر این نظارت هیچ ضمانت اجرایی ندارد پس فایده آوردن آن در قانون اساسی چه بوده است؟^{۲۴} غائلین به نظارت استطلاعی اینگونه استدلال می کنند که اصل ۹۹ قانون اساسی، صرفاً درصد معرفی کردن نهاد ناظر است به این معنی که ناظر را معرفی می کند نه چگونگی نظارت، و اینکه نحوه نظارت را مراجع دیگری باید تعریف کنند. نهاد ناظر، تعیین کننده نوع نظارت نیست و نوع نظارت با نهاد ناظر دو مقوله جدا از هم هستند و سایر اصول نوع نظارت را معین می کنند. مثلاً اصل ۱۰۸ قانون اساسی نهادی را معرفی می کند که نظارت بر انتخابات خبرگان را برعهده دارد. در این اصل گفته شده: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه جلسات داخلی آنها برای نخستین دوره، باید توسط فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد، از آن پس هرگونه تغییر و تجدید در این قانون و تصویب مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنهاست.»^{۲۵} و همچنین با توجه به اینکه تعیین شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و مهمتر از همه کیفیت انتخابات (موضوع اصل ۶۲ قانون اساسی) به قوانین عادی ارجاع شده است لذا می توان گفت که این اصل (اصل ۹۹ قانون اساسی) در مورد نحوه نظارت شورای نگهبان ساکت است.

همچنین برخی دیگر اصل ۹۹ قانون اساسی را چنین به مطلوب خویش تبیین نموده اند که اصل ۹۹ قانون اساسی در مقام تعیین مقام صالح جهت نظارت بر انتخابات است، نه تبیین چگونگی نظارت و گزینش نوعی آن. اصل ۹۹ قانون اساسی درصد بیان این معنا است که نظارت بر انواع انتخابات و همچنین بر امر همه پرسی برعهدهی مثلاً قوه قضائیه یا قوه مجریه نیست، بلکه شورای نگهبان عهده دار این امر است، توضیح اینکه قوانین اساسی کشورهای مختلف هر یک نهادی را جهت نظارت بر انتخابات و رسیدگی به تخلفات انتخاباتی و احیاناً بطلان و تجدید انتخابات تعیین می نماید. این مسؤلیت گاه برعهده دادگاه-ها^{۲۶}، شورای قانون اساسی^{۲۷}، مجلس،^{۲۸} وزارت کشور، شورای عالی انتخابات^{۲۹} کشورها مختلف قرار دارد. به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان متولی نظارت بر انتخابات است. به این ترتیب اصل ۹۹ قانون اساسی منحصرأً نهاد ناظر بر انتخابات را معرفی می کند و درصد تشریح چگونگی نظارت نیست تا بتوان نوع نظارت را «استصوابی» یا «غیراستصوابی» به شمار آورد، به این معنی که قانون اساسی ضمن اصل ۹۹ قانون اساسی مرجع ناظر بر تمامی اشکال انتخابات را معرفی، سپس ضمن اصول دیگر چگونگی نظارت را به تفکیک هر شکل معین کرده است.^{۳۰}

بینه متقن و مستند دیگر بر استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان در انتخابات های موضوع اصل ۹۹ قانون اساسی، از اصل ۹۸ قانون منبعت می گردد که تفسیر اصول قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است لذا از حیث ثبوتی و استنادی می توان به تفسیر ارائه شده از سوی شورای نگهبان در خصوص اصل ۹۹ قانون اساسی اشاره داشت، در پی ابهاماتی در فرایند برگزاری چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در زمینه اصل مذکور حادث گشته بود، رئیس وقت هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان با عنایت به تجویز اصل ۹۸ قانون اساسی، نظر تفسیری شورای نگهبان را جهت مدلول ساختن اقدامات خود پیرامون تلقی نظارت استصوابی در اصل ۹۹ قانون اساسی طی نامه ای جويا شد که دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به این درخواست، به صورت رسمی طی نامه شماره ۱۲۳۴ مورخه ۱۳۷۰/۰۳/۰۱ اعلام داشت:

^{۲۳} مردی، محمدرضا، «تأملی در مبانی و ادله نظارت استصوابی» از مجموعه مقالات نظارت استصوابی، به کوشش روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، ص ۵۶

^{۲۴} مردی، محمدرضا، پیشین، ص ۵۷

^{۲۵} شریف، محمد، «نگرش حقوقی به مقوله نظارت استصوابی»، همان، ص ۲۱

^{۲۶} آلمان، اتریش، سوریه، فیلیپین و ... (ر ک به:

<http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&CategoryID=8fac823a-5745-41b6-a9e2-b879c74debyb&WebPartID=9e3f5a95-7363-42d7-8e58-e450.d99v5ad4&ID=2c21ba70-3cb0-4760-88aa-213a47964e2e>

^{۲۷} فرانسه

^{۲۸} انگلیس، ژاپن، آمریکا، نروژ، کانادا، مصر و ...

^{۲۹} ترکیه

^{۳۰} علیزاده طباطبایی، سیدمحمود، «تأملاتی در باب ماهیت حقوقی نظارت»، همان، ص ۱۴۳

"عطف به نامه شماره ۳/۳۳ مورخه ۱۳۷۰/۰۳/۲۲ موضوع در جلسه ۱۳۷۰/۳/۱ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام گردید: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»^{۳۱} بدین جهت و بر مبنای تفسیر مزبور، مراد از نظارت در اصل ۹۹ قانون اساسی همانا نظارت استصوابی می‌باشد و مادامی که شورای نگهبان از نظر خود عدول نکند حق نظارت استصوابی در امر انتخابات از آن شورای نگهبان می‌باشد^{۳۲}، لذا ضمن مذاقه و تامل بجا بر دلایل چندگانه سبق الذکر، هرگونه شبهه منطقی در غیر استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان ملغی به نظر می‌رسد.

بحث و نتیجه گیری

در هر حال نظارت از جمله اموری می‌باشد که در همه جنبه‌های اجرایی و در همه کشورها مطمح نظر قرار گرفته است، بدین معنی که وقتی مسوولیتی به فرد یا جمعی واگذار می‌شود لاجرم برای حُسن جریان امور آن لازم است بر فرآیند اجرای آن، نظارت دقیق و مستمر صورت پذیرد والا عملاً ماهیت اعطای این مسوولیت، ابرتر است.

از جمله اموری که نیاز به نظارت مستمر دارد امر خطیر انتخابات است که مسئله مهمی و حیاتی برای افراد، جریانات سیاسی، سرنوشت و آینده کشور می‌باشد و از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است و لیکن به طریق اولی باید نهادی درخور بر حسن اجرای انتخابات نظارت کند و این مسأله نیز مختص نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد و در بسیاری از کشورها اصل نظارت اعمال می‌گردد، و در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز این وظیفه خطیر و حساس بر عهده نهاد شورای نگهبان گذاشته شده است. این امر اگرچه بعنوان تکلیف اخیر در مجموعه اصول مربوط به شورای نگهبان در قانون اساسی شمرده شده اما به دلیل تأثیر اقوایی این مهم، این بخش وظیفه در افکار عمومی از مهم ترین وظایف شورا تلقی شده است. عقلایی و منطقی است که نظارت نمی‌تواند صرفاً تماشاگری و منفعلانه باشد، بنابراین مطابق تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی و براساس قانون انتخابات، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات جنبه استصوابی دارد، به نظر می‌رسد آنچه ما را به نقطه اعتدال و منطقی قرار می‌دهد، امعان نظر نسبت به هشدارهای مقام معظم رهبری درباره حرکت‌های مخرب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در این باره می‌باشد که: «ایشان ضمن موافقت با طرح نظرات مخالف و نیز اعتقاد به آزادی در تفکر و مباحثه آزاد بعنوان اولین شعارهای انقلاب، به بی ریشه بودن جنجال علیه نظارت استصوابی با هدف تضعیف شورای نگهبان و حذف علمای طراز اول اشاره داشته اند»^{۳۳}. معظم له همچنین در جمع دانشجویان و دانشگاہیان استان کرمان تأکید داشتند که در «تعیین صلاحیت‌ها صد در صد بر طبق قانون به صلاحیت‌های افراد رسیدگی گردد»^{۳۴}. به هر حال بیانات راهگشای رهبری معظم انقلاب حاکی از لزوم وجود نظارت استصوابی قانونمدارانه در کنار نقد، انتقاد و اصلاح است. بر اساس آنچه مورد بحث قرار گرفت، در پایان دو نکته کلی را در خصوص نظارت مذکور و تعیین صلاحیت و... تأکید می‌گردد:

اولاً) اصل ۹۹ قانون اساسی بر نظارت شورای نگهبان صراحت دارد، چراکه نمی‌توان نظارت حاصل از اصل مذکور را اطلاعی فرض نمود زیرا در این صورت از استحکام و اهمیت قانون اساسی، کاهیده و نیز خود نقض غرض و تأکید بر نظارت استصوابی شورای نگهبان در اصل ۹۹ قانون اساسی می‌باشد.

ثانیاً) قوانین موضوعه مصوب مجلس شورای اسلامی، موید این مهم است که نظارت شورای نگهبان، استصوابی، عام و در کلیه امور جاری انتخابات (مِنَ الْبَدْوِ إِلَى الْخَتْمِ) می‌باشد.

در انتها موکداً می‌توان معیارهای عینی شورای نگهبان در اصل ۹۹ قانون اساسی را برشمرد:

۱- هدف از نظارت شورای نگهبان مقابله با هرگونه تبعیضی است که می‌تواند در اجرای انتخابات پدیدار گردد.

^{۳۱} <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=۹c۳۴۹۳۳۶-۲۸۶۰۰۴b۸۱-b۴۹۸-b۹e۰d۴۱۴dc۹۳&LayoutID=۴۱ac۳۰۰۴-۰۶۴d-۴۵۹۱-۹۶۰۵-۳bb۷۵۱۷۳۹۴۷b&CategoryID=e۲beada۸-۲۸bd-۲fff۴-a۹۴۸-۸۴d۴ee۰a۲۹۷۳>

^{۳۲} شعبانی، قاسم، پیشین، صص ۱۷۷-۱۷۶

^{۳۳} روزنامه انتخاب ۱۳۷۸/۲/۲۹

^{۳۴} ۱۳۸۳/۰۲/۱۹

- ۲- پیشگیری از هرگونه مداخله و اعمال نفوذ قوه مجریه در امر انتخابات و دفاع از حق انتخاب کردن.
 - ۳- واگذاری امور اجرایی انتخابات به دولت و محول نمودن نظارت به شورای نگهبان.
 - ۴- اعمال نظارت بر حسن جریان انتخابات و پیشگیری از هرگونه تقلب.
 - ۵- انطباق عمل نظارت با مبانی قانون اساسی.
- و نیز اینکه شورای نگهبان نیز در تعیین صلاحیت ها چونان گذشته، سه محور عینی و حلی را مطرح نظر داشته باشد:
- ۱- دلایل تأیید صلاحیت و یا رد صلاحیت افراد را مستندا به ایشان اعلام دارد.
 - ۲- تأیید صلاحیت یا رد صلاحیت بر مدار قانون صورت پذیرد.
 - ۳- در تعیین صلاحیت‌ها، ملاک های متعین باید معطوف به احراز صلاحیت افراد برای کاندیدا شدن در مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان رهبری باشد.
- التهیه؛ با توجه به عنایت خاص بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز مقام معظم رهبری نسبت به شورای نگهبان بعنوان نهاد و رکنی که بازوی پرتوان جمهوریت و اسلامیت نظام محسوب می شود و آرزوی دیرینه تاریخ سیاسی، اجتماعی و حقوقی کشور ما وجود و تقویت جایگاه چنین نهادی تشریح ساز بوده است، اتخاذ مواضع منفعلانه نسبت به چنین نهادی را نمی توان جزیی از منافع ملی دانسته و از اهداف استراتژیک معارضین و معاندین آن باشد.

منابع و مأخذ:

کتاب:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه ق.
- ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، نشر بی تا.
- ۴- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختارهای حکومتی ج.۱، انتشارات اطلاعات، چاپ ۱۱، ۱۳۸۱.
- ۵- فیروز آبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، قاموس المحيط، جلد ۲، بیروت.
- ۶- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۷- لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، نشر گنج دانش، جلد ۱، ۱۳۸۱.
- ۸- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۹- مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، چاپ اول.
- ۱۰- نهج البلاغه

مقالات:

- ۱- مجموعه مقالات نظارت استصوابی، روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت.
- ۱-۱- شریف، محمد: «نگرش حقوقی به مقوله نظارت استصوابی»
- ۲-۱- علیزاده طباطبایی، سیدمحمود: «تأملاتی درباب ماهیت حقوقی نظارت»
- ۳-۱- مرندي، محمدرضا: «تأملی درمبانی و ادله نظارت استصوابی»
- ۲- مجموعه مقالات نظارت استصوابی، نشر افکار، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۳- صفایی، محمد، «چرا نظارت؟ چرا شورای نگهبان؟» نشریه حقوق و اجتماع، ش ۱۲، اردیبهشت ۱۳۷۳.

قوانین:

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- قانون اساسی فرانسه، اداره کل توافق های بین المللی، ۱۳۷۶.
- ۳- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به انتخابات مجلس ج.۱، سازمان نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نشریات:

(۱) روزنامه انتخاب

سایت ها:

- ۱- <http://khamenei.ir>
- ۲- <http://shora-gc.ir>
- ۳- <https://fa.wikipedia.org>